

جنبش‌های اجتماعی ایران در مقابل جنگ خانمانسوز و ویرانگر، چه باید بکنند؟!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

پرداختن به این جنگ، بسیار مهم است چرا که به یکی از حساس‌ترین و نگران‌کننده‌ترین تحولات منطقه‌ای و جهانی می‌پردازد و صرفاً به دو کشور متخاصم محدود نمی‌شود بلکه احتمال دارد به یک جنگ منطقه‌ای ویرانگر تبدیل شود. از سویی احتمال دارد این درگیری‌ها محدود به مراکز نظامی و هسته‌ای طرفین محدود نگردد و شهروندان عادی قربانی شوند.

بحث اساسی در این‌جا، موضع ضدجنگ و موضع طبقاتی علیه سرمایه‌داری است و این موضع نه تنها در مورد جنگ ایران و اسرائیل، بلکه درباره جنگ روسیه و اوکراین و نسل‌کشی مردم فلسطینی در غزه توسط دولت اسرائیل و یا هر جای دیگر در جهان نیز صدق می‌کند.

به‌علاوه، جنگ کشتار و آوارگی و خانه‌خرابی می‌آورد و هیچ نقطه مثبتی، حتی در زیر ذره‌بین نیز نمی‌توان در جنگ پیدا کرد. جنگ ادامه سیاست‌های سرکوب و سانسور و تجاوزگرایانه دولت‌هاست و ربط چندانی به ملت‌ها ندارد. ملت‌ها نه در آغاز و نه در پایان جنگ نقش چندانی ندارند و گاهی هم نمی‌دانند جنگ چرا شروع شد و چرا به پایان رسید.

به این ترتیب، بسیار مهم است که هیچ نیرو و فردی که خود را صلح‌طلب و انسان‌دوست و آزادی‌خواه معرفی می‌کند در هیچ جبهه این جنگ قرار نمی‌گیرد و با صدای بلند خواهان قطع فوری آن می‌گردد.



جنگ میان ایران و اسرائیل، اگرچه سال‌هاست در قالب جنگ نیابتی، حملات سایبری، ترورهای هدفمند و درگیری‌های امنیتی در سوریه، لبنان، عراق، یمن و حتی در دریا جریان داشته، ولی در صورت تبدیل به یک جنگ مستقیم، وارد فاز بسیار خطرناک‌تری شده است هرچند که سال گذشته نیز جنگ محدود و مقطعی پهپادی و موشکی و هوایی بین ایران و اسرائیل روی داده بود.

در شرایطی که این تنش به یک جنگ آشکار نظامی رسیده باشد، ما با چند واقعیت مهم روبرو بودیم: *نامتقارن بودن قدرت نظامی و موقعیت ژئوپلیتیک: اسرائیل از نظر فناوری نظامی، حمایت آمریکا و برتری هوایی در منطقه پیش‌تاز است، اما ایران عمق استراتژیک و توان نیابتی گسترده در منطقه (حزب‌الله، حشد شعبی، انصارالله و...) دارد اما این نیروها نسبت به گذشته، به‌شدت تضعیف شده‌اند. به‌ویژه ایران سوریه را از دست داده و حزب‌الله لبنان نیز به‌شدت ضعیف شده است. بنابراین، از این دو کشور همانند گذشته، خطر چندانی متوجه اسرائیل نیست. در چنین وضعیتی، این جنگ کوتاه‌مدت نباشد و بیش‌تر به یک جنگ فرسایشی، پراکنده و چندجبهه‌ای بدل شود.

*اقتصاد هر دو کشور به ویژه اقتصاد ایران بسیار آسیب‌پذیر است: ایران به دلیل تحریم‌ها و ناکارآمدی داخلی، و اسرائیل به دلیل شکنندگی اجتماعی و فشار داخلی بعد از جنگ غزه. هم‌چنین نتان‌یاهو در داخل مردم اسرائیل مخالفان جدی دارد و با برگزاری تظاهرات، همواره خواهان برکناری و محاکمه او هستند. در ماه‌های گذشته، نتان‌یاهو چندین بار به دادگاه احضار شده است.

*دخالت قدرت‌های جهانی: آمریکا، روسیه و چین هرکدام منافی در این تقابل دارند و می‌توانند نقش بازدارنده یا تشدیدکننده بازی کنند. اما هر دوی این کشورها، با اسرائیل نیز روابط خوبی دارند و در جنگ در کنار ایران قرار نمی‌گیرند و صرفاً از نظر سیاسی و حقوقی از آن دفاع می‌کنند.

نخستین درگیری مستقیم اسرائیل و ایران سال گذشته روی داد. در سال ۲۰۲۴، با افزایش تنش‌ها، جنگ نیابتی ایران و اسرائیل به درگیری مستقیم بین دو کشور تبدیل شد.

۱ آوریل ۲۰۲۴-۱۳ فروردین ۱۴۰۳، حمله هوایی اسرائیل کنسولگری ایران در دمشق را تخریب کرد و ۱۶ نفر از جمله دو ژنرال ایرانی را کشت.

۱۴ آوریل ۲۰۲۴-۲۶ فروردین ۱۴۰۳، ایران در پاسخ به حمله دمشق، یک حمله بی‌سابقه موشکی و پهپادی به اسرائیل انجام داد و بیش از ۳۰۰ موشک و پهپاد را پرتاب کرد. اسرائیل با کمک ائتلافی به رهبری آمریکا، بیش‌تر این حملات را دفع کرد.

۱۹ آوریل ۲۰۲۴-۳۱ فروردین ۱۴۰۳، یک حمله مشکوک اسرائیل، سامانه پدافند هوایی نزدیک فرودگاه اصفهان را هدف قرار داد.

۱ اکتبر ۲۰۲۴-۱۰ مهر ۱۴۰۳، ایران دومین حمله مستقیم خود به اسرائیل را انجام داد، ولی بیش‌تر موشک‌ها توسط ائتلاف غربی و اسرائیل ره‌گیری شدند.

۲۶ اکتبر ۲۰۲۴-۵ آبان ۱۴۰۳، اسرائیل برای نخستین‌بار به‌صورت علنی ایران را هدف قرار داد؛ سامانه‌های پدافندی و تاسیسات مرتبط با برنامه موشکی را بمباران کرد.

جمهوری اسلامی ایران، وعده حمله صادق ۳ را داد اما تا حمله اخیر اترسپیل به ایران، این وعده عملی نشد.

اسرائیل بامداد جمعه ۲۳ خرداد حمله به مواضع جمهوری اسلامی را آغاز کرد و آن را «ضربه پیش‌دستانه» برای جلوگیری از دست یابی تهران به سلاح هسته‌ای خواند.

حملات اسرائیل به مواضع جمهوری اسلامی در شهرهای مختلف ایران، امروز سه‌شنبه ۲۷ خرداد-۱۷ ژوئن، وارد پنجمین روز خود شد.

جمهوری اسلامی نیز در مقابل، در روزهای گذشته با حملات موشکی، اسرائیل را هدف قرار داده است.

در واکنش به این درگیری‌ها، رهبران گروه هفت شامل آمریکا، بریتانیا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، کانادا و ژاپن، تاکید کردند حل‌وفصل بحران ایران باید به کاهش تنش‌های گسترده‌تر در خاورمیانه، از جمله آتش‌بس در غزه، منجر شود. در بیانیه آن‌ها آمده که کشورهای عضو گروه هفت آمادگی دارند برای حفظ ثبات در بازارهای جهانی انرژی همکاری کنند.

پس از انتشار بیانیه گروه هفت در نشست کانادا، دونالد ترامپ، رییس‌جمهوری آمریکا، این نشست را یک روز زودتر از موعد ترک کرد و گفت باید در کاخ سفید باشد؛ جایی که بتواند به‌خوبی در جریان امور قرار گیرد و به تلفن برای اطلاع از وضعیت تکیه نکند.

او درباره گزارش نهادهای اطلاعاتی آمریکا مبنی بر این‌که جمهوری اسلامی در حال ساخت سلاح هسته‌ای نیست، گفت: «برایم مهم نیست که آن‌ها چه گفته‌اند. به‌نظر من ایران به‌شدت به دست‌یابی به سلاح هسته‌ای نزدیک شده بود.»

ترامپ که از آغاز حملات اسرائیل به مواضع جمهوری اسلامی، بارها درباره این موضوع صحبت کرده، گفت به دنبال چیزی بهتر از آتش‌بس در ایران و خواهان پایان واقعی درگیری و پایان «مشکل هسته‌ای» است.

رییس‌جمهوری آمریکا پیش‌بینی کرد اسرائیل از شدت حملات خود علیه ایران نخواهد کاست و بار دیگر به ساکنان تهران توصیه کرد برای امنیت خودشان، از پایتخت خارج شوند.

پیت هگرتز وزیر دفاع آمریکا، روز دوشنبه به وقت محلی در شبکه اجتماعی ایکس(توییتر سابق)گفت: «حفاظت از نیروهای آمریکایی اولویت اصلی ماست و این استقرارها با هدف تقویت موضع دفاعی ما در منطقه انجام می‌شود.»

به گزارش آسوشیتدپرس، آمریکا در واکنش به حملات اسرائیل به ایران و حمله متقابل جمهوری اسلامی، منابع نظامی خود در خاورمیانه، از جمله کشتی‌های جنگی را جابه‌جا می‌کند.

دو مقام آمریکایی، روز جمعه اعلام کردند که نیروی دریایی آمریکا به ناوشکن «یواس اس توماس هادرن» دستور داده به سمت شرق مدیترانه حرکت کند و ناوشکن دیگری نیز برای پشتیبانی احتمالی در صورت درخواست کاخ سفید آماده شده است.

دونالد ترامپ، با شورای امنیت ملی خود برای بررسی اوضاع دیدار کرده است. این دو مقام که نخواستند نام‌شان فاش شود، جزئیاتی را ارائه کردند که هنوز علنی نشده‌اند.

نیروهای نظامی منطقه از چند روز پیش اقدامات احتیاطی را شروع کرده‌اند، از جمله خروج داوطلبانه خانواده‌های نظامی از پایگاه‌ها، تا برای حملات احتمالی آماده باشند و در صورت واکنش گسترده تهران، از پرسنل محافظت کنند.

به‌طورمعمول حدود ۳۰ هزار سرباز آمریکایی در خاورمیانه مستقر هستند، اما این تعداد در اکتبر گذشته به دلیل تنش‌های میان اسرائیل و ایران و حملات مداوم حوثی‌های مورد حمایت ایران به کشتی‌های تجاری و نظامی در دریای سرخ، به ۴۳ هزار نفر افزایش یافت.

ناوشکن «هادرن» از کلاس آرلی بورک است و توانایی دفاع در برابر موشک‌های بالستیک را دارد.

جو بایدن، رییس‌جمهور وقت آمریکا، پس از حملات هفتم اکتبر ۲۰۲۳ حماس که جنگ غزه را آغاز کرد، ابتدا کشتی‌هایی را برای حفاظت از اسرائیل اعزام کرد. این اقدام در آن زمان به‌عنوان بازدارنده‌ای در برابر حزب‌الله و جمهوری اسلامی تلقی شد.

در اول اکتبر ۲۰۲۴، ناوشکن‌های نیروی دریایی آمریکا حدود ۱۲ موشک ره‌گیر را برای دفاع از اسرائیل شلیک کردند، زمانی که این کشور مورد حمله بیش از ۲۰۰ موشک از سوی ایران قرار گرفت.



اسرائیل در نخستین ساعات بامداد جمعه ۲۳ خرداد موجی از حملات علیه ایران را آغاز کرد و برخی مقامات نظامی جمهوری اسلامی و مراکز و تاسیسات هسته‌ای و نظامی ایران را هدف قرار داد؛ حملاتی دنباله‌دار که رییس‌جمهور آمریکا می‌گوید اگر مقامات تهران به توافق در مذاکرات هسته‌ای تن ندهند، موارد بعدی آن «از هم‌اکنون برنامه‌ریزی شده و حتی بی‌رحمانه‌تر خواهد بود.»

در حملات بامداد جمعه، چندین فرمانده ارشد سپاه و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران کشته شدند؛ از جمله حسین سلامی فرمانده کل سپاه، محمد باقری، رییس ستاد کل نیروهای مسلح، غلامعلی رشید فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیاء، و امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده هوافضای سپاه.

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، پس از این حملات گفت که عملیات اسرائیل علیه «قلب برنامه غنی‌سازی هسته‌ای ایران» صورت گرفته و هدف آن تاسیسات هسته‌ای در نطنز و دانشمندان هسته‌ای بوده است.

او در عین حال تأکید کرد که این عملیات که اسرائیل آن را «عملیات برخاستن شیر» عنوان داده است، «هر چند روز که لازم باشد، ادامه خواهد داشت.»

علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، ساعاتی پس از حملات گفت که اسرائیل با این حملات «سرنوشت تلخ و دردناکی برای خود تدارک دید و آن را قطعاً دریافت خواهد کرد» و این «رژیم باید منتظر مجازاتی سخت باشد.»

این در حالی است که رسانه‌های ایران ظهر جمعه گزارش دادند که اسرائیل دور جدید حملات به ایران را آغاز کرده و پایگاه شکاری تبریز را هدف قرار داده است. در حملات بامداد جمعه نیز حدود ۱۰ نقطه در استان آذربایجان شرقی هدف قرار گرفته بود.

مقامات رسمی ایران تأیید کردند که سایت هسته‌ای نطنز، تاسیسات پارچین و چندین پایگاه نظامی در تهران نیز هدف حملات بوده اند و بخش‌هایی از تاسیسات غنی‌سازی نطنز آسیب دیده، اما تلفات جانی نداشته و «آلودگی پرتوزا یا شیمیایی نیز رخ نداده است.»

براساس اعلام اسرائیل، ارتش این کشور بیش از ۱۰۰ هدف را با مشارکت حدود ۲۰۰ جنگنده هدف قرار داده است که رادارها و سامانه‌های دفاع هوایی ایران نیز در میان این اهداف بوده‌اند.

اسرائیل ماه‌ها در حال برنامه‌ریزی برای حمله بود. در ماه مه، گزارش‌هایی منتشر شد مبنی بر این‌که دولت ترامپ قصد ندارد در این عملیات به اسرائیل کمک کند، چرا که در آن زمان واشینگتن سرگرم مذاکره با تهران درباره توافق هسته‌ای بود.

وب‌سایت خبری اکسیوس، جمعه گزارش داد مقامات اسرائیلی گفته‌اند این حملات در واقع با هماهنگی آمریکا انجام شده‌اند و دولت ترامپ اگرچه به صورت علنی مخالفت نشان داده اما در خفا به اسرائیل «چراغ سبز کامل» داده است.

بر اساس تازه‌ترین گزارش‌ها، آمریکا حتی در شکل‌گیری جزئیات حمله نیز دخالت داشته است.

جمهوری اسلامی نیز از جمعه شب حملاتی تلافی‌جویانه به تل‌آویو و اورشلیم انجام داد و از آن زمان موشک‌باران اسرائیل را ادامه داده است.

هم‌زمان، عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، گفت تهران «شواهد محکمی» در دست دارد که آمریکا از حملات اسرائیل حمایت کرده است.

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی هم در بیانیه‌ای اعلام کرد این حملات «بدون هماهنگی و تأیید ایالات متحده ممکن نبود» و افزود که آمریکا باید «پاسخ‌گوی پیامدهای خطرناک ماجراجویی‌های اسرائیل» باشد.

در مقابل، آمریکا هرگونه نقش در حملات اسرائیل را انکار کرده و این موضع را از جمعه به‌طور مکرر تکرار کرده است.

مارکو روبریو، وزیر خارجه آمریکا، در بیانیه‌ای تأکید کرد: «ما هیچ نقشی در حملات به ایران نداشتیم و اولویت اصلی ما حفاظت از نیروهای آمریکایی در منطقه است.»

روبیو حمله را «اقدامی یک‌جانبه» از سوی اسرائیل توصیف کرد. با این حال، او تأیید کرد که اسرائیل پیشاپیش، دولت ترامپ را از حمله مطلع کرده بود.

ترامپ و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل نیز این موضوع را تایید کرده‌اند. آمریکا یک روز پیش از حمله، کارکنان سفارت‌های خود را در سراسر منطقه تخلیه کرد. ترامپ جمعه در شبکه تروث سوشال، ایران را به «توافق» دعوت کرد و گفت که از «حملات بعدی که حتی وحشیانه‌تر خواهند بود» باخبر است.

او همان روز، در پاسخ به سئوالی از سوی وال‌استریت ژورنال درباره این که آیا پیشاپیش از حمله اسرائیل مطلع شده بوده، گفت: «اطلاع داشتن؟ نه. این فقط اطلاع نبود، ما کاملا در جریان بودیم.»

در حالی که موشک‌ها، هم‌چنان میان ایران و اسرائیل در رفت‌وآمد هستند و ورود ارتش قدرتمند ایالات متحده به جنگ می‌تواند آتش درگیری را بیش از پیش شعله‌ور کند، آمریکا بارها مشارکت در حمله اولیه اسرائیل به ایران را انکار کرده که این موضع، با مخالفت صریح مقامات ایرانی روبه‌رو شده است.

مجله تایم دوشنبه ۲۶ خرداد نوشت که از جمعه ۲۳ خرداد تا صبح دوشنبه، درگیری میان اسرائیل و جمهوری اسلامی، صدها کشته و بیش از هزار زخمی در ایران و ۱۹ کشته و صدها زخمی در اسرائیل بر جای گذاشته است.

تایم در ادامه تاکید کرد گزارش‌های مختلف حاکی از آن است که نقش آمریکا در این حمله، ممکن است بیش از آن چیزی باشد که به‌طور رسمی اعلام شده است.

حمله به ایران در بحبوحه مذاکرات میان آمریکا و جمهوری اسلامی بر سر برنامه هسته‌ای تهران انجام شد. ترامپ بارها بر تمایل خود به یافتن راه‌حلی دیپلماتیک برای این بحران تاکید کرده و از توانایی خود برای برقراری صلح سخن گفته است. با این حال، ایران و اسرائیل تاکنون بی‌توجه به درخواست‌های بین‌المللی برای تنش‌زدایی، حملات تازه‌ای را به یکدیگر انجام داده‌اند.

جمهوری اسلامی ایران، وعده داده است که از آمریکا نیز انتقام خواهد گرفت، در حالی که ترامپ هشدار داد: «اگر به هر شکلی مورد حمله ایران قرار بگیریم، تمام قدرت ارتش ایالات متحده بر سران فرود خواهد آمد؛ آن هم در سطحی که تاکنون سابقه نداشته است.»



کشته‌شدن ارشدترین فرماندهان نظامی جمهوری اسلامی و معاونان‌شان بر اثر حملات اسرائیل، بحران جمهوری اسلامی تشدید شده و علی‌خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران نیز مخفی شده و اعتماد خود به نزدیک‌ترین‌های خود را نیز از دست داده است. چرا که جاسوسان اسرائیلی در همه نهاد‌های نظامی، امنیتی و سیاسی جمهوری اسلامی به حدی نفوذ کرده‌اند که دقیقا اطلاع دارند نصف شب فرماندهان ارشد جمهوری اسلامی کجا هستند تا آن‌ها را بکشند.

نهاد‌های حکومتی در ایران اعلام کرده‌اند که محمدحسین باقری، فرمانده ستاد کل نیروهای مسلح، حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران، غلامعلی رشید، فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء، امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه، مهدی ربانی، معاون عملیات ستادکل نیروهای مسلح، غلامرضا محرابی، معاون اطلاعات ستادکل نیروهای مسلح، داوود شیخیان، فرمانده پدافند نیروی هوافضای سپاه، مسعود شانه‌ئی، رئیس دفتر فرماندهی کل سپاه پاسداران، و خسرو حسینی، جانشین اطلاعات نیروی هوافضای سپاه، در عملیات بامداد جمعه اسرائیل کشته شده‌اند.

درحالی که ارتش اسرائیل می‌گوید بیش از ۲۰ فرمانده نظامی جمهوری اسلامی را به قتل رسانده است، در گزارش جدید سپاه پاسداران آمده است که محمود باقری، محمدباقر طاهرپور، منصور صفرپور، مسعود طیب و جواد جرسرا، که همگی از فرماندهان ارشد این نهاد نظامی محسوب می‌شدند، نیز جان‌شان را از دست داده‌اند. هم‌زمان خبر کشته شدن علی شمخانی، مشاور سیاسی خامنه‌ای و مسئول اصلی پرونده هسته‌ای ایران، نیز در برخی از رسانه‌های دولتی منتشر شده است.

در چنین شرایطی، توان مدیریت و حاکمیت جمهوری اسلامی، به‌شدت تضعیف شده است. هرچه زمان می‌گذرد و جنگ تشدید می‌گردد به همان نسبت، رهبری و کنترل جمهوری اسلامی نیز تضعیف می‌گردد.

سه‌شنبه ۲۷ خرداد، در پنجمین روز جنگ میان جمهوری اسلامی و اسرائیل، حملات اسرائیل به مناطق مختلف ایران، به‌ویژه تهران، هم‌چنان ادامه یافت. در مقابل، جمهوری اسلامی نیز موشک‌هایی به‌سوی اسرائیل شلیک کرد و روند خروج برخی اتباع خارجی از کشور هم‌چنان ادامه دارد.

دونالد ترامپ رییس‌جمهور آمریکا اعلام کرده که به دنبال «تسلیم کامل» جمهوری اسلامی است. وزیر دفاع اسرائیل گزارش داد که نیروی هوایی این کشور سه‌شنبه به «اهدافی بسیار مهم» در تهران حمله خواهد کرد. او گفت که این اهداف «از جمله اهداف راهبردی، مراکز وابسته به حکومت و زیرساخت‌های کلیدی» حکومت جمهوری اسلامی خواهند بود. وزیر دفاع اسرائیل به علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی درباره دچار شدن به «سرنوشتی مشابه صدام حسین» هشدار داد. سفیر اسرائیل در آمریکا گفت به‌زودی شگفتی بزرگی در ادامه جنگ با جمهوری اسلامی رخ خواهد داد؛ به‌گونه‌ای که عملیات موساد علیه حزب‌الله در برابر آن «ساده» خواهد بود. علی شادمانی فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیا چهار روز پس از انتصابش کشته شد. سخنگوی ارتش اسرائیل با اشاره به ادامه حملات به مواضع جمهوری اسلامی گفت: «ما آماده‌ایم که به حذف رهبران تروریسم در ایران، یک‌به‌یک، ادامه دهیم»

خبرگزاری رویترز گزارش داد که افرادی با ملیت‌های خارجی در حال ترک اسرائیل با اتوبوس از طریق مصر هستند. خبرگزاری رویترز به نقل از پنج منبع آگاه از روند تصمیم‌گیری‌های علی خامنه‌ای نوشت که کشته شدن مقام‌های ارشد نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی، شکاف‌های جدی در حلقه نزدیکان خامنه‌ای ایجاد کرده که خطر بروز اشتباهات راهبردی را افزایش می‌دهد. وزارت خارجه قطر نسبت به «حمله شتاب‌زده به تاسیسات انرژی در ایران» هشدار داد. سخنگوی سازمان هلال احمر سه‌شنبه اعلام کرد که ۲۱ استان ایران درگیر حملات اسرائیل هستند. عبدالله دوم، پادشاه اردن، سه‌شنبه در سخنرانی خود در پارلمان اروپا گفت که حملات اسرائیل به خاک ایران، درگیری‌ها را به سطحی رسانده که تهدیدی جهانی به شمار می‌رود. گروه هفت در بیانیه‌ای در ارتباط با درگیری حکومت ایران و اسرائیل، «با قاطعیت» تاکید کرد که جمهوری اسلامی هرگز نباید به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند. وزارت راه و شهرسازی دولت مسعود پزشکیان اعلام کرد که فضای پروازی کشور تا ساعت ۲ بامداد چهارشنبه ۲۸ خرداد بسته اعلام می‌شود.

سخنگوی قوه قضاییه جمهوری اسلامی اعلام کرد علی خامنه‌ای به عنوان «فرمانده کل قوا» هنوز شرایط جنگی برای کشور اعلام نکرده است.

مردم در بسیاری از استان‌ها، به خصوص در تهران، گیلان و مازندران با مشکل تهیه نان مواجه شدند. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد شواهد جدیدی شناسایی شده که از وارد آمدن آسیب مستقیم به سالن‌های زیرزمینی غنی‌سازی در نطنز حکایت دارد.

برخی خانواده‌های دادخواه و فعالان سیاسی اعلام کردند که از سوی نهادهای امنیتی تحت فشار قرار گرفتند تا درباره جنگ میان جمهوری اسلامی و اسرائیل اظهار نظری نکنند.

مناطق از ایران که هدف حمله قرار گرفت:

منطقه اندرژگوی تهران

کوه‌های شمال‌شرق تهران

حوالی گیشا در تهران

محدوده صدا و سیما در تهران

خیابان عراقی، سبلان شمالی، و صیاد شیرازی در تهران

محمدشهر کرج

جنوب تهران و تداوم آتش‌سوزی در پالایشگاه تهران

منطقه مجیدیه جنوبی و سیدخندان در شرق تهران

پاکدشت

اصفهان

یک ایست بازرسی در کاشان

شهرک صنعتی نظرآباد

مناطق در غرب ایران

منازل اطراف شرکت نفت در شهر سنندج تخلیه شدند

فعالیت پدافند هوایی در شهر مشهد

پادگان امند تبریز

شهرک صنعتی زاویه در شهرستان زرنديه

مناطق از اسرائیل که هدف حمله قرار گرفت:

هرتزیلیا در استان تل آویو
سه منطقه در مرکز اسرائیل
یک منطقه در نزدیکی اورشلیم

...

چهل و شش سال است مردم ایران، همواره با سرکوب و سانسور، زندان و شکنجه، اعدام و ترور، فقر و بیکاری دست و پنجه نرم می کنند که همگی از سوی حاکمیت به آن‌ها تحمیل شده است. بنابراین، اکثریت مردم ایران جمهوری اسلامی را دشمن خود می بینند و به همین دلیل، تاکنون از هر فرصتی استفاده کرده اند تا از دست این حکومت مافیائی، جانی و کودک کش رها شوند. مردم علیه گرانی و تورم، علیه زندان و اعدام، علیه فقر و محرومیت، علیه حجاب اجباری اسلامی و تبعیض و بی حقوقی، علیه فساد و غارتگری سران و مقامات و نهادهای حکومتی، علیه کشتار در جاده ها و معدن و سایر مراکز کار، علیه بی آبی و بی برقی، علیه نابودی محیط زیست و به طور کلی علیه زورگویی های حکومت، روزمره مبارزه و مقاومت می کنند. مردم، همواره مخالف جنگ طلبی و تروریسم و فعالیت های تمی جمهوری اسلامی بوده اند؛ مردمی که هشت سال جنگ هولناک و ویرانگر جنگ ایران و عراق را تجربه کرده اند طبیعتاً موضع ضدجنگ دارند. اما امروز بار دیگر، با جنگ ویرانگر دیگری روبه رو هستند.

جنگ میان جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل نیز یک جنگ ارتجاعی و ضدانسانی است که بی گمان هر فرد و نیروی ضدجنگ و آگاه و آزادی خواه با آن به مخالفت برمی خیزد. جمهوری اسلامی تاکنون با صرف هزاران میلیارد دلار از سفره مردم را به پروژه های اتمی و موشکی و هم چنین نیروهای نیابتی اسلامی و تروریست خود خود قرار داده است و جنگ جاری نیز، متأسفانه هر روز ابعاد تازه ای پیدا می کند و از مردم هر دو کشور ایران و اسرائیل قربانی می گیرد.

هنوز نمی توان پیش بینی کرد که این جنگ به کجا منتهی خواهد شد تا همی جا نیز حکومت تضعیف شده است و احتمال دارد کنترل کشور از عهده اش خارج شود. هرچند جامعه نیز قربانی می دهد و مبارزات مردم بیش از پیش ضربه پذیر شده است.

به این ترتیب، هر فعال سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، رهبران و با تجربه جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی، جنبش زیست محیطی، جنبش دادخواهی، جنبش بیکاران، بازنشستگان، روشنفکران و هنرمندان پیشرو و رادیکال، فعالین آزادی زبان های مادری خلق ها تحت و ستم و به طور کلی همه ستم دیدگان و مردم آزاده، نمی توانند به وضعیت موجود بی تفاوت باشند در نتیجه آن ها، همواره به فکر سازمان دهی، اعتراض، اعتصابات سراسری و عمومی، تظاهرات و تجمعات اعتراضی هستند و به احتمال قوی، نتیجه این تلاش ها و مبارزات را در جامعه خواهیم دید. به ویژه با توجه به تضعیف شدن کنترل امنیتی حکومت، هرچه زودتر در جهت مخالفت با جنگ و مبارزه برای آزادی فوری زندانیان سیاسی و قطع اعدام ها و علیه شرایط وخیم اقتصادی شاهد خواهیم بود.

در چنین شرایطی، یکی از مهم ترین مولفه ها در تبیین اوضاع سیاسی کنونی ایران وجود یک جنبش عظیم مطالباتی و اعتراضی همه مزدبگیران و ستم دیدگان و جنبش های اجتماعی است. در این میان، طبقه کارگر به دلیل موقعیت اجتماعی و انباشته شدن مطالباتش و مستمر بودن و گسترده بودن اعتراضاتش در محور آن قرار دارد. جنبش اعتصابی و اعتراضی بخش های مختلف جنبش کارگری در مقایسه با سال های قبل از آن رشد چشم گیری داشته است. این جنبش به طبقه کارگر و جنبش کارگری محدود نیست، بازنشستگان، دادخواهان، خلق های تحت ستم، زنان، دانشجویان، هم جنس گرایان، بیکاران، محیط زیست، کشاورزان و ... بخشی از این جنبش عظیم مطالباتی هستند. بر آمدن این جنبش های مطالباتی به هیچ وجه یک پدیده ناگهانی نیست، شرایط زندگی در ایران، سرکوب و سانسور، شکنجه و زندان، اعدام و ترور، و فقر و فلاکتی که به اکثریت شهروندان ایران تحمیل شده است از دهه ها پیش زمینه عینی آن را فراهم آورده و تحرک جنبش های اجتماعی در بیش از چهار دهه و نیم گذشته بروز آن را قطعیت بخشید. خیزش سراسری تهیدستان شهری در دی ماه ۹۶ و ۹۸ و جنبش «زن، زندگی، آزادی» در سال ۱۴۰۱، اعتصاب اخیر کامیون داران و رانندگان کامیون در بیش از ۱۶۰ شهره ایران، زمین سیاسی ایران برای گسترش این جنبش مطالباتی را شخم زد و نقطه عطفی در دامن زدن، عمیق تر کردن و سیاسی تر کردن این جنبش مطالباتی بود. این جنبش اعتراضی و مطالباتی اگر چه در زمینه اقتصادی دستاوردهای محسوسی نداشته است، اما در واقع سنگربندی طبقه کارگر و اقشار محروم جامعه و به طور کلی همه مردم آزادی خواه و جان به لب رسیده را در مقابل تهاجم افسار گسیخته سرمایه داران و صاحبان صنایع و دولت به زندگی کارگران و خیل عظیم فرودستان است.

این جنبش مطالباتی با وجود پراکنده بودن و نتایج محدود اقتصادی، دستاوردها و پیامدهای اخلاقی و سیاسی، مبارزاتی و سازمانی با ارزشی برای طبقه کارگر و سایر جنبش های اجتماعی در بر داشته است. کارگران و توده عظیم محرومان و ستم دیدگاه جامعه احساس ضعف و درماندگی را به دور افکنده و نشان داده اند که بیش از این زیر بار ستم نمی روند و همین تحول در ذهنیت و آگاهی آنان انقلاب را در چشم انداز قرار داده است. این جنبش مطالباتی روحیه مبارزه جویی در سطح جامعه را تقویت کرده است. طبقه کارگر در جریان این جنبش مطالباتی در زمینه سازمان یابی گام هایی به جلو برداشته است. برپایی اعتصابات و اعتراضات خیابانی یک ماهه کارگران هفت تپه و فولاد اهواز، موج های پی در پی اعتصابات سراسری پرستاران، معلمان، اعتصاب سراسری کامیون داران و رانندگان کامیون، اعتصاب سراسری کارگران راه آهن و تجمع های اعتراضی بازنشستگان بدون ظرفیت بالایی از کردانی و هنر سازمان یابی قابل تصور نیستند. نقش فعالین و پیشروان و حضور گسترده آنان در این جنبش های اعتصابی و اعتراضی، گسترش پیوندهای مبارزاتی و

همبستگی در میان آنها، خبر از وجود تجربه و وجود هماهنگی در تدوین خواسته‌ها و مطالبات، خبررسانی به موقع از این اعتراضات همه و همه نشان از پیشروی در زمینه سازمان‌یابی است. به همین دلیل، جمهوری اسلامی، قادر به پاسخ‌گویی به این مطالبات در سطح کلان نبوده و نیست، این اعتراضات به یک جنبش سیاسی بدل شده و کلیت حاکمیت را به چالش کشیده است. بر بستر تداوم این جنبش مطالباتی و اعتراضی همبستگی و پیوند جنبش کارگری با دیگر جنبش‌های مترقی و پیشرو اجتماعی در مقایسه با گذشته تعمیق و گسترش یافته است. حمایت جنبش دانشجویی و بازنشستگان از خواسته‌ها و مطالبات بخش‌های مختلف کارگری، گویای این پیشروی است.

زنان در این دوره، نه تنها حجاب و همه مظاهر سیاست آپارتاید جنسیتی جمهوری اسلامی را به چالش کشیده و یک جنبش مقاومت گسترده در برابر سیاست‌های زن‌ستیزانه حکومت و مردسالاری در حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی را برپا کرده‌اند، بلکه در همان حال یک پای جدی و فعال جنبش اعتراضی و مطالباتی جاری بوده‌اند. زنان در پیشاپیش مردان در اعتصابات سراسری معلمان، پرستاران، در جنبش اعتراضی بازنشستگان، در جنبش دانشجویی، جنبش «سه‌شنبه‌های نه به اعدام در زندان» حضور داشته و در اعتراضات کارگران شرکت کرده‌اند. فعالین و پیشروان جنبش زنان با قرار گرفتن در کنار جنبش کارگری افق‌های لیبرال و اسلامی و مردسالاری را به سخره گرفته و چشم‌انداز نویی را در پیش روی جنبش زنان گشوده‌اند. بی‌جهت نیست که جمهوری اسلامی نه تنها قادر به پاسخ‌گویی به خواسته‌ها و مطالبات زنان و سایر اقشار جامعه نیست بلکه تعمیق بحران‌های همه جانبه‌ای که با آن روبه‌رو است.

جمهوری اسلامی در کشمکش با آمریکا و متحدان آن و جنگ با اسرائیل در سطح منطقه، اگر زمانی از بزرگ‌نمایی در مورد برنامه اتمی خود، حمایت از گروه‌ها و جریان‌های اسلامی جنگ‌طلب در منطقه، مداخله‌گری سیاسی و نظامی در کانون‌های بحران خاورمیانه و تولید و آزمایش موشک‌های دوربرد به‌عنوان حربه‌هایی جهت مقابله با رقبای خود در خاورمیانه و کسب موقعیت برتر در کشمکش‌های منطقه‌ای و بردن سهم بیش‌تر در تجدید آرایش سیاسی منطقه سود می‌برد، اکنون به دنبال تعمیق بحران اقتصادی و تضعیف موقعیت منطقه‌ای آن به‌ویژه از دست دادن سوریه و لبنان و مواجهه با اعتراضات کارگران و سایر اقشار جامعه، اکنون برای پایان دادن به حملات اسرائیل و جنگی که 45 سال آن را تبلیغ و ترویج کرده و به ایدئولوژی خود تبدیل کرده بود و تضمین بقاء نظام سیاسی‌اش به دربروزی افتاده است. جمهوری اسلامی به دلیل درماندگی اقتصادی، فشار اعتراضات کارگری و دیگر جنبش‌های اجتماعی و پوسیدگی حاکمیت سیاسی و ایدئولوژیک آن توان و نقشه ادامه جنگ با اسرائیل و یا آمریکا را ندارد، اما همین درماندگی و بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، به‌ویژه جنگ می‌تواند هم منشا ماجراجویی بیش‌تر نظامی و فروپاشی آن باشد.

در اوضاع کنونی با وجود مخالفت خامنه‌ای با مذاکره با آمریکا و با آغاز جنگ با اسرائیل، احتمالاً اکنون هدف او مذاکره و سازش در راستای استراتژی تضمین بقای حاکمیت اسلامی خود است. اگر چه دولت‌ها اسرائیل و آمریکا سیاست سرنگون کردن جمهوری اسلامی در سر دارند. به معنای همین چند روز نخست جنگ و کشته‌شدن فرماندهان ارشد نظامی پس از خامنه‌ای به‌عنوان فرمانده کل قوا، به‌سادگی نشان داد که جمهوری اسلامی فرسوده تر از آن است که بتوان ادامه چنین جنگی حتی در ابعاد محدود را داشته باشد. بنابراین، با وجود این که ظاهراً از قدرت و اقتدار خود حرف می‌زنند اما سران و مقامات سیاسی-نظامی و در راس همه خود خامنه‌ای، به اصطلاح دنبال سوراخ موش می‌گردند تا خود را حفظ کنند چرا که جاسوسان اسرائیل در همه نهادهای نظامی-سیاسی جمهوری اسلامی حضور مستقیم دارند و از هرگونه طرح و نقشه آن‌ها و این که حتی کجا می‌خوانند و بلند می‌شوند خبر دقیق دارد.

با این حال خواه در نتیجه این جنگ و تشدید فشارهای آمریکا باشد و یا در نتیجه دخالت نظامی مستقیم آمریکا و قدرت‌های منطقه ای و یا در نتیجه محاسبات اشتباه، این جنگ می‌تواند عواقب فاجعه‌باری هم برای دو ملت ایران و اسرائیل و هم منطقه داشته باشد. پیامد این سیاست‌ها و رویاروی احتمالی آمریکا و متحدین آن با ایران، تمام به زیان طبقه کارگر و توده‌های مردم ایران و منطقه است. همان‌طور که تاکنون سیاست‌های جمهوری اسلامی و تشدید تحریم‌های اقتصادی پیامدی جز گسترش فقر و فلاکت و بیکاری به دنبال نداشته و شرایط زندگی را برای کارگران و اکثریت مردم ایران دشوارتر و غیرقابل تحمل‌تر کرده است، تداوم جنگ نیز در خدمت امنیتی کردن بیش‌تر فضای جامعه، تشدید سرکوب و اعدام و عموماً به زیان مبارزه کارگران و توده‌های مردم ایران است.

اکنون ضرورت تاریخی دارد که جنبش‌های اجتماعی ایران و در راس همه جنبش کارگری و جنبش آزادی‌خواهی، به دلیل موقعیت جنگی و تشدید سرکوب‌ها یا جمهوری اسلامی و یا سرخوردگی، نباید از مبارزه برای سرنگونی انقلابی این حکومت، به دام سیاست‌های امپریالیستی آمریکا و جنگ اسرائیل یا اپوزیسیون طرفدار آن بیافتد. در این میان طبقه کارگر و همه مردم آزادی‌خواه و ستم‌دیده ایران منطقه و اسرائیل، باید بدانند که این جنگ و جدال و کشمکش طرفین این منازعه هیچ ربطی به منافع آنان ندارد. اگر دولت اسرائیل و جمهوری اسلامی هر دو سعی می‌کنند که منافع سرمایه‌دارانه خود را با خشونت و جنگ پیش ببرند اما در عین حال خود را مدافع شهروندان خود بدانند دروغی بیش نبوده و می‌خواهند شهروندان را به پیاده نظام جنگ و منازعات و کشمکش‌ها و رقابت‌های ارتجاعی خود تبدیل کنند. به همین دلیل، کارگران و مردم آگاه ایران می‌دانند که برای پایان دادن به عوارض ویرانگر این جنگ و کشمکش‌ها با آمریکا و غیره، هیچ راهی جز تشدید مبارزه برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و افشای ماهیت واقعی سیاست‌های جنگ‌طلبانه همه طرفین درگیری این جنگ و آن بخش از نیروهای اپوزیسیون که به جنگ و مداخله اسرائیل و آمریکا امید بسته‌اند وجود ندارد.

با وجود این جنگ خانمانسوز و ویرانگر، موانع و تاثیراتی که تشدید فقر و فلاکت اقتصادی و امنیتی کردن و جنگی کردن فضای سیاسی جامعه، طبیعتاً آهنگ تداوم و رشد و سراسری شدن جنبش مطالباتی تاثیر به‌سزایی دارد، مبارزات بخش‌ها مختلف جنبش

کارگری از پرستاران و معلمان، تا بیکاران و ستم‌دیدگان و محرومان جامعه، بازنشستگان، دادخواهان، روشنفکران و هنرمندان، به خصوص مناطق تحت ستم سیستان و بلوچستان، خوزستان، کردستان، آذربایجان و ... هم‌چنین دیگر اقشار محروم جامعه به‌طور اجتناب‌ناپذیر ادامه خواهد داشت. همه آن مصائب، بی‌حقوقی‌ها و محرومیت‌هایی که طبقه کارگر و اقشار محروم جامعه را به میدان مبارزه و رویارویی با جمهوری اسلامی کشانده است و آن مطالباتی که تاکنون و به‌طور مکرر مطرح کرده‌اند عمیقاً ریشه در مناسبات سرمایه‌داری، فساد نهادینه شده و بحران مزمن جمهوری اسلامی دارد که سر تا پای این جامعه ایران را فرا گرفته است. تاکنون جمهوری اسلامی نه تنها از پاسخ‌گویی به این خواسته‌ها و مطالبات مستاصل و درمانده است، بلکه با تشدید فقر و فلاکت و گسترش بیکاری زمینه عینی را برای گسترش این اعتراضات و خیزش‌های خودانگیخته مردمی فراهم کرده است. اکنون مصیبت جنگ نیز به این مصائب افزوده شده است مصیبتی بس جان‌کاه!

به‌علاوه اگر جنبش‌های اجتماعی و مردم آزادی‌خواه ایران، زودتر مبارزات خود در سطح سراسری سازمان‌دهی و اعتصاب و اعتراض نکنند ممکن است اولاً قیام‌های کور راه بیافتد و دوماً تحرک‌های محلی در مناطق حساس کشور مانند کردستان، سیستان و بلوچستان و ... روی دهد.

یا ده‌ها هزار زندانی در زندان‌ها در اثر بمباران‌ها جان خود را از دست بدهند و یا توسط جانپان حکومتی قتل‌عام گردند. کانون حقوق بشر ایران، دوشنبه ۲۶ خردادماه ۱۴۰۴، در پی حمله موشکی به منطقه‌ای در نزدیکی زندان دیزل‌آباد کرمانشاه که بنا بر برخی گزارش‌ها یک انبار مهمات وابسته به نهادهای نظامی را هدف قرار داده بود، منابع مطلع و خانواده زندانیان از وقوع شورش گسترده در زندان و استفاده از سلاح گرم توسط گارد زندان خبر داده‌اند. این منابع می‌گویند در پی این حادثه، گفته می‌شود که دست کم ۹ زندانی جان خود را از دست داده‌اند و شمار نامعلومی نیز مجروح شده‌اند.

بر اساس اطلاعات منتشرشده از سوی منابع نزدیک به خانواده زندانیان، بامداد دوشنبه ۲۶ خردادماه ۱۴۰۴، پس از وقوع چند انفجار مهیب در نزدیکی زندان دیزل‌آباد، فضای زندان به‌شدت متشنج شد. به گفته این منابع، صدای انفجارها که در اثر حملات موشکی به تاسیسات نظامی در منطقه رخ داده بود، باعث وحشت در میان زندانیان شد و برخی از آنان تلاش کردند از بندها خارج شوند یا به مناطق امن‌تری پناه ببرند.

در پی این وضعیت، گارد زندان دیزل‌آباد به‌سرعت وارد عمل شد و بنا به گزارش‌های رسیده، با استفاده از سلاح گرم اقدام به تیراندازی به سوی زندانیان کرد. این تیراندازی‌ها منجر به کشته‌شدن دست‌کم ۹ زندانی و زخمی‌شدن تعدادی دیگر شد.

به‌دنبال درگیری‌های گسترده در زندان دیزل‌آباد کرمانشاه، نیروهای ویژه ضدشورش به محل اعزام شدند و با استفاده از گلوله‌های ساچمه‌ای، گاز اشک‌آور و دیگر ابزارهای سرکوب، اقدام به کنترل وضعیت کردند. منابع نزدیک به خانواده‌ها می‌گویند که برخی درهای زندان با جوشکاری بسته شده تا از هرگونه تردد یا فرار احتمالی جلوگیری شود.

هم‌چنین گفته می‌شود که اجساد کشته‌شدگان با خودروهای شخصی از زندان منتقل شده‌اند و زخمی‌ها نیز بلافاصله از محل خارج شده‌اند. تاکنون اطلاعاتی درباره محل انتقال مجروحان یا وضعیت درمان آن‌ها در دست نیست.

در حال حاضر، هیچ‌گونه اطلاعیه رسمی از سوی مسئولان زندان دیزل‌آباد کرمانشاه، سازمان زندان‌ها یا مقامات قضایی در این رابطه منتشر نشده است. تماس تلفنی زندانیان با خانواده‌ها نیز به‌طور کامل قطع شده و هیچ‌گونه دسترسی به اطلاعات رسمی درباره وضعیت زندان وجود ندارد.

با شدت گرفتن حملات اسرائیل به مواضع جمهوری اسلامی در تهران و هشدار اسرائیل و آمریکا برای تخلیه پایتخت، خانواده‌های زندانیان سیاسی خواستار آزادی آن‌ها شدند. شماری از زندانیان سیاسی نیز در حال تلاش برای وادار کردن مراجع قضایی به اعمال قانون آزادی زندانیان در شرایط جنگی هستند.

شماری از خانواده‌های زندانیان سیاسی محبوس در زندان‌های اوین، تهران بزرگ و قرچک ورامین، سه‌شنبه ۲۷ خرداد در تماس با ایران‌اینترنشنال، درباره وضعیت این زندانیان اظهار نگرانی کردند.

آن‌ها از نهادهای حقوق‌بشری بین‌المللی خواستند تلاش‌های خود را برای فشار بر جمهوری اسلامی با هدف آزادی فوری تمامی زندانیان سیاسی بیش‌تر کنند.

بر اساس مصوبه‌ای از سال ۱۳۶۵، دادگاه‌ها موظف‌اند در شرایط اضطراری مناطق جنگی، برای حفظ جان زندانیان، بسته به «نوع جرم ارتكابی»، آن‌ها را با دریافت ضمانت یا به‌صورت مشروط آزاد کنند. این قانون «مجرمان خطرناک» را مستثنی کرده و صرفاً انتقال آنان به زندانی دیگر در مکانی امن را مجاز می‌داند، اما زندانیان سیاسی و مالی می‌توانند با اخذ وثیقه یا ضمانت‌های دیگر آزاد شوند.



در چنین شرایطی، یکی از محوری‌ترین وظایف فعالین رادیکال جنبش‌های اجتماعی و نیروهای کمونیست و پیشرو و آزادی‌خواه در شرایط کنونی، آزادی همه زندانیان دربند و اسیر سیاسی و غیرسیاسی، دامن‌زدن به همین جنبش مطالباتی و اعتراضی است. هدف یاری رساندن هرچه بیش‌تر کمک به ارتقای سازمان‌یابی و وحدت و همبستگی کارگران در دل آن و تلاش برای سازمان‌یابی و سراسری کردن این مبارزات از پیش شرط‌های پیشروی جنبش کارگری و اعتراضات ستم‌دیدگان و محرومان جامعه است. بر بستر گستر و تداوم و پیشروی همین جنبش مطالباتی است که زمینه برای برپایی تشکلهای مردمی و طبقاتی کارگران و همه مردم دردمند و آزادی‌خواه فراهم می‌آید و گرایش به مبارزه جمعی با هدف تغییر و ساختن یک دنیای انسانی‌تر، عادلانه‌تر، آزادتر و بهتر تقویت می‌گردد.

پی‌تردید در استراتژی نهایی، مهم‌ترین وظایف ما در شرایط کنونی قرار دادن افق سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی در پیش روی این جنبش مطالباتی و اعتراضی است. در این زمینه باید تصویر نسبتاً روشنی از فردای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی به معنای دست‌یابی به آزادی و برابری واقعی همه شهروندان در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، در هم شکستن همه نیروهای سرکوبگر از ارتش و سپاه پاسداران گرفته تا نیروهای انتظامی و بسیج و انحلال نیروهای انتظامی و کلیه ارگان‌های سرکوب و دستگاه عریض و طویل بوروکراتیک دولت و نهادهای تبلیغاتی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی و الغای قانون اساسی و سایر قوانین ضدانسانی جمهوری اسلامی را در سطح جنبش رواج دهیم تا هیچ نیرویی نتواند با دست به دست کردن قدرت سیاسی از بالا، مانع پیشروی انقلاب شود. آزادی همه زندانیان سیاسی، لغو قانون ضدانسانی اعدام برای همیشه، تامین آموزش و پرورش رایگان برای همه کودکان کشور تا ۱۸ سالگی، تعیین دستمزد متناسب با تورم و گرانی واقعی برای همه مزدبگیران کشور، تعیین حقوق و مستمری و بیمه و بازنشستگی برای همه زنان خانه‌دار، مرخص‌زایمان، آزادی جنبش‌ها و احزاب سیاسی و رسانه‌ها، آزادی مذاهب، آزادی همه زبان‌های مادری در سراسر ایران و برابری زبان‌ها و ملیت‌ها و دخالت همه شهروندان در همه امورات کشور از طریق تشکلهای خودساخته هم‌چون شوراهای انجمن‌ها، جمعیت‌ها، سندیکاها و غیره.

یک اشتباه بزرگ ما انقلابیون ۱۳۵۷، این بود که گفتیم شاه برود هر کس بیاورد بهتر از اوست. در حالی که دیدیم هیولایی از دل سرگکوب خونین این انقلاب بیرون جهید که بدتر از شاه بود. به‌علاوه ما هرگز به ماهیت انقلابی حاکمیت فکر نکرده بودیم. برای مثال، اعتصاب کارگران صنایع نفت، کمر اقتصادی حکومت پهلوی را شکست و به همین دلیل شعار آن روزها این بود: «کارگر نفت ما رهبر سرسخت ما» اما هنگامی که خمینی شورای انقلاب تشکیل داد و شورای نفتگران درخواست کرد نماینده‌ای هم در شورای داشته باشند خمینی مخالفت کرد. اما این شورا دست به اعتراض و اعتصاب نزد و نگفت آقا، انقلاب ما به ثمر رساندیم شما می‌خواهید صاحبش شوید. در حالی که اکنون تجارب فعالین جنبش‌ها اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، بسیار بالا رفته و از تجارب تلخ و شیرین گذشته پند می‌گیرند.

تحت فشار جنبش مطالباتی و خواسته‌های رادیکالی که از جانب کارگران، زنان و دانشجویان در جریان اعتراضات مطرح می‌شوند، بخش‌های مختلف اپوزیسیون بورژوازی نیز با هدف به بیراهه بردن این اعتراضات، مدعی دفاع از برخی مطالبات آنان شده‌اند. اما هیچ وعده‌ای نمی‌دهند. برای مثال می‌گویند زنان باید آزاد باشند. خوب طبیعی‌ست که زنان باید آزاد باشند و هیچ حزب و دولتی حق ندارد مانع آزادی آن‌ها شود اما نمی‌گویند این زنان ده‌ها مطالبه اقتصادی و اجتماعی دارند. زنان می‌خواهند دوش‌به‌دوش مردان در همه امورات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دیپلماسی و امنیتی کشور دخیل باشند. زن و مرد دوش‌به‌دوش هم متحدانه حرکت کنند. به‌علاوه این نیروها، باوری به دخالت مردم در سرنوشت خویش و سرنگونی جمهوری اسلامی ندارند و به همین دلیل، گوش به فرمان اسرائیل و آمریکا و متحدان آن‌ها هستند و این را مخفی هم نمی‌کنند. در همه اظهارنظرهای رضا پهلوی، چنین موضعی دیده می‌شود. آن‌ها هیچ راه‌حلی هم برای پایان دادن به فقر و فلاکت اقتصادی و محرومیت‌های اجتماعی و استثمار انسان از انسان ندارند. در نتیجه راه‌حل بخش‌های مختلف اپوزیسیون بورژوازی، تشکیل دولت مقتدر مورد حمایت دولت‌های امپریالیستی و سرمایه‌داری داخلی و جهانی، عادی‌سازی مناسبات با غرب و رفع موانع سیاسی بر سر راه ادغام بیش‌تر سرمایه‌داری ایران در بازار جهانی و تداوم برنامه‌های اقتصادی نئولیبرالی است. این در حالی است که مناسبات سرمایه‌داری و اجرای برنامه‌های نئولیبرالی در جامعه ایران

هم در دوره حاکمیت پهلوی‌ها و هم جمهوری اسلامی پیاده شده و اکثریت شهروندان این کشور را هم با فاجعه بیکاری، بحران‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی فجایع زیست محیطی و فقر و فلاکت عمومی روبه‌رو کرده است.

برای مقبولیت اجتماعی بخشیدن به آلترناتیو سیاسی آزادی‌خواه و برابری طلبانه و عدالت‌جویانه و تامین رهبری و یا مدیریت آن، پرداختن به ریشه همه آن معضلات اقتصادی و اجتماعی موجود است که ضرورت یک بدیل آزادی‌خواهانه را به صراحت آشکار می‌سازد. فاجعه کودکان کار و خیابان، معضل اعتیاد و تن‌فروشی، حاشیه‌نشینی، بحران‌های زیست محیطی، و ده‌ها معضل دیگر، راه‌حل‌های جدی آزادی‌خواهانه و سوسیالیستی را در مقابل جامعه قرار داده و در مبارزه برای رفع این معضلات اجتماعی، طرح و نقشه عمل انسانی و اجتماعی دارند. رفع این مجموعه معضلات اجتماعی بدون تعرض به سرمایه‌داری و حاکمیت‌های سرمایه‌داری، ممکن نیست. بنابراین، روشن است که هیچ‌کدام از بخش‌های اپوزیسیون بورژوازی ایران از سلطنت‌طلبان گرفته تا نیروهای ناسیونالیست کرد و ترک، عرب و بلوچ، فارس و غیره، همان راه‌حل‌های اقتصادی نئولیبرالی شکست‌خورده را دارند.

در این شرایط و با توجه به روند تحولات سیاسی در ایران و در حالی که حکومت جنایت‌کار جمهوری اسلامی، جامعه ایران را با یک جنگ ناخواسته مواجه کرده است و در شرایطی که نیروهای مختلف اپوزیسیون بورژوازی در تلاش هستند که آینده جامعه ایران را در راستای اهداف خود به پیراهه ببرند و انقلاب مستقل مردم را در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی عقیم بگذارند، در این شرایط همکاری نیروهای موجود در جنبش آزادی‌خواه و برابری‌طلب پیشرو و مترقی و کمونیستی سرنگون‌طلب ایران با هدف تقویت و پاسخ‌گویی به نیازهای عملی و استراتژیک این جنبش مطالباتی بیش از هر زمان دیگر به یک ضرورت سیاسی و عملی تبدیل شده است. در همین راستا توافق بر سر یک پلتفرم سیاسی که بر استراتژی سرنگونی جمهوری اسلامی از طریق مبارزه و سازمان‌دهی مستقل جنبش‌های اجتماعی ایران، تاکید دارد، اتخاذ موضع مشترک در مورد رویدادهای عمومی مختلف، توافق کنند و تفرقه و خودمحوربینی، خصومت و دشمنی، چشم در چشمی و رهبری‌طلبی و هرگونه تنگ‌نظری و حسادت را کنار بگذارند و بر سر برنامه‌های خود، گام‌های مثبت و ماندگاری در جهت تامین ملزومات پاسخ‌گویی به این ضرورت سیاسی روز بردارند. اما سرانجام معیار اجتماعی برای ارزیابی از پیشرفت این همکاری‌ها همانا مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی به نیازهای عملی و تاکتیکی و استراتژیک جنبش‌های اجتماعی در جامعه است. تنها در این صورت است که فعالین سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، روشنفکری پیشرو و رهبران جنبش کارگری و دیگر جنبش‌های اجتماعی می‌توانند توجه افکار عمومی را به این حرکت جلب کرد و حمایت جامعه را پشت سر خود داشته باشند.

در خارج از کشور نیز سازمان دادن کمپین‌های سیاسی و تبلیغی بزرگ و گسترده برای جلب حمایت افکار عمومی و سازمان‌ها و نهادهای کارگری، جنبش زنان، دانشجویان و جوانان، روشنفکران پیشرو و ترقی‌خواه و حتی در سطح صرفاً اطلاع‌رسانی به دولت‌ها و پارلمان‌ها و نهادهای بین‌المللی در رابطه با جنبش انقلابی مردم ایران، از اهمیت زیادی برخوردار است. با توجه به موقعیت ویژه‌ای که سازمان‌ها و احزاب چپ و کمونیست، آزادی‌خواه و سرنگونی‌طلب، به‌خصوص رسانه‌هایی که در اختیار دارند می‌توانند نقش تعیین‌کننده و موثر و مثبتی در روند مبارزات داخل کشور داشته باشد.

اتفاقاً در این میان و مهم‌تر از همه، باید ماهیت حاکمیتی که قرار است بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی قدرت را به دست بگیرد به روشنی بیان شود.

بسیار طبیعی‌ست که سیاست «دولت-ملت» کنار گذاشته شود و جای آن یک خودمدیریتی شورایی بگیرد که همه اقشار جامعه از طریق تشکلهای خود، رفتار و اعمال و سیاست‌های خودمدیریتی شورایی را زیر نظر داشته باشد. در همه ارگان‌ها مدیریتی، بدون چون و چرت باید برابری زن و مرد رعایت گردد. یعنی اگر قرار است برای مثال یک مدیریت جمعی ۵۰ نفره انتخاب گردد باید نصف آن زن و نصف دیگرش مرد باشد. یا اگر در جایی دو سخن‌گو و یا مدیر و غیره نیاز است به‌طور مشترک یکی زن و یک مرد برای یک دوره معین مثلاً دو ساله آن را به‌عهده می‌گیرند. در چنین ساختار دموکراتیک و شورایی و خودگردان، همه سازمان‌ها و احزاب سیاسی و همه شهروندان واجد شرایط، حضور فعالی دارند اما قدرت در دست هیچ فرد و حزبی قرار نمی‌گیرد تا حاکمیت خود را اعمال کند. مدیریت جامعه جمعی و دموکراتیک است نه فردی و تک‌حزبی.

سه‌شنبه بیست و هفتم خرداد ۱۴۰۴ - هفدهم ژوئن ۲۰۲۵

ضمایم:

*بیانیه کانون نویسندگان ایران درباره‌ی حمله تجاوزکارانه‌ی اسرائیل به ایران

اکنون شمار کشته‌ها به صدها تن رسیده و از جای‌جای تهران و شهرهای دیگر ایران دود جنگ برخاسته است. اسرائیل که ماه‌هاست مردم غزه را به خاک و خون می‌کشد و بازماندگان را در قحطی و گرسنگی به کام مرگ می‌کشد، اکنون دامنه‌ی جنگ‌افروزی و تجاوزکاری‌اش را با طرح «خاورمیانه‌ی جدید» به خاک مردم ایران کشانده است. مردمی که سال‌ها در برابر سرکوب و جنایات جمهوری اسلامی ایستاده‌اند، زیباترین فرزندان‌شان را در کشتارهای خیابانی و اعدام‌ها و زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها از دست داده‌اند و هم‌زمان فقر و فساد و تبعیض سازمان‌یافته را تاب آورده‌اند، اکنون رد چکمه‌های دشمن خارجی را نیز بر گلوئی خود احساس می‌کنند.

جنگ رژیم فاشیستی که بنایش بر اشغال و نسل‌کشی است با حکومتی که پایه‌های خود را بر ریختن خون مخالفان و آزادی‌خواهان بنا نهاده است، تنها جان و زندگی مردم را تباہ نمی‌کند بلکه سال‌ها مبارزه برای تحقق آزادی و برابری را نیز متوقف می‌سازد و چه بسا به عقب می‌راند. اکنون بیم آن می‌رود که دستاوردهای جنبش آزادی‌خواهی ۱۴۰۱ که خود از پس خیزش‌های متعدد پیشین برآمده

بود، در هنگامه‌ی این تجاوز محو شود و در زمین سوخته‌ی پس از آن ناسیونالیسم افراطی، راست افراطی و فاشیسم نو برآید. خاصه این که برای هر دو طرف، اسرائیل و جمهوری اسلامی، جنگ «نعمت» است و از آن ارتزاق می‌کنند. اسرائیل که به تأسی از رهبران می‌تواند هر جنبنده‌ای را هدف مشروع خود بداند، اکنون به مدد رسانه‌های جریان اصلی، موج عمومی شکل گرفته علیه نسل کشی در غزه را واپس می‌راند و جمهوری اسلامی نیز با تکیه بر ایده‌ی بنیانگذار خود، «بریزید خون‌ها را زندگی ما دوام می‌یابد»، دست به کار بسترسازی برای بازداشت و کشتار مخالفان خود شده است و گماشتگان‌اش در فضای مجازی وعده‌ی خلق «۶۷» ای دیگر را می‌دهند.

این همه زیر چشم جهانی رخ می‌دهد که در آن دو قطب رسانه‌ای از دو سو صداهای مستقل را می‌بلعد: قطبی که از تجاوز آشکار نظامی حکومتی شهره به کودک‌کشی تصویری منجی‌گونه می‌سازد و قطبی دیگر که چهره‌ی سرکوبگر جمهوری اسلامی را زیر برجسب دفاع از وطن پنهان می‌کند. شادی مردم از دیدن مرگ قاتلان‌شان، هرگز به معنای آغوش گشودن به روی تجاوز به خاک و زندگی‌شان نیست. اما مردم چگونه در شرایط فیلترینگ حکومتی، ناامنی و اضطراب جنگ و بمباران رسانه‌ای، صدا و موضع راستین خود را ببابند؟ چگونه همبستگی و نیروی عظیم خود را برای حمایت از یکدیگر به جریان بیندازند؟ چگونه برای توقف این ماشین کشتار چاره‌ای بیندیشد؟

نه نیروی متجاوز خارجی و نه نیروی سرکوبگر داخلی، هیچ یک حق ندارند عاملیت و اراده‌ی مردم را در تعیین سرنوشت خویش غصب کنند. حق هر ملتی است که مقابل تجاوز به خاک خود بایستد، همانگونه که حق هر ملتی است که در برابر حاکمیت آزادی کش سر تسلیم فرود نیاورد.

سکوت جهان در برابر این تجاوز، به بهانه‌ی ماجراجویی و ستم‌پیشگی حاکمیت ایران، تنها ابعاد فاجعه را عظیم‌تر خواهد کرد. کانون نویسندگان ایران تجاوز آشکار اسرائیل به خاک ایران را محکوم می‌کند و از نویسندگان آزادی‌خواه، روشنفکران و نهادهای همسو در ایران و جهان می‌خواهد که در نقش راستین و آگاهی‌بخش خود ظاهر شوند و دوقطبی حاکم بر رسانه‌ها را به نفع شنیده شدن صدای مستقل مردم و تقویت جنبش‌های آزادی‌خواهانه‌ی آنان بشکنند.

کانون نویسندگان ایران

*بیانیه کانون صنفی معلمان تهران در دفاع از صلح و مخالفت با جنگ افروزی

ما معلمان، هر روز با کودکان سر و کار داریم. کودکانی که با چشم‌های پرسشگر، به دنبال فهم جهان هستند؛ جهانی که قرار بود جای یادگیری، دوستی و رویا باشد، نه صحنه‌ی انفجار، تخریب و مرگ. ما با اندوه عمیق، نظاره‌گر گسترش جنگ در منطقه‌ای هستیم که سال‌هاست از حق صلح محروم مانده است. سکوت در برابر آنچه این روزها در ایران، می‌گذرد و این حجم از خشونت و نفرت برای ما امکان پذیر نیست. ما در برابر هیچ قدرت نظامی، مذهبی یا سیاسی سر فرود نمی‌آوریم اما از کودکان به خاطر رنج و فشاری که تحمل می‌کنند، شرمساریم.

آنچه حاکمان اسرائیل و تندروهای داخلی در حق مردم روا می‌دارند، جنایت است. و ما حق داریم به‌عنوان یک نهاد صنفی مستقل، هشدار دهیم که:

*هیچ کشوری با مشت گره کرده، صلح نمی‌سازد.

*هیچ ملتی از آوارگی، امنیت نمی‌آموزد.

*ما باور داریم که صدای ما معلمان باید صدای صلح باشد. و این صلح، نه به معنای سازش با ظلم، بلکه به معنای ایستادن کنار انسان‌ها به ویژه کودکان بی‌گناه است.

ما با صدای روشن اعلام می‌کنیم که:

-با هرگونه جنگ افروزی، از هرسو، مخالفیم.

-با خشونت، چه به نام خدا، چه به نام وطن و حتی به نام آزادی مخالفیم.

-ما با خاموشی در برابر رنج مردم، مخالفیم و از تمام نهادهای مدنی، صنفی، فرهنگی و آموزشی می‌خواهیم که در برابر عادی‌سازی خشونت، ایستادگی کنند و صدای همبستگی انسانی را بلند نگه دارند.

در جهانی که کودکان بی‌پناه هستند، ما نمی‌خواهیم بی‌تفاوت باشیم.

در جهانی که سیاستمداران با سلاح سخن می‌گویند، ما می‌خواهیم با واژه، با آموزش و با وجدان، حرف بزنیم.

ما برای فرزندانمان صلح می‌خواهیم.

صلحی پایدار برای آینده‌ای روشن و جهانی عاری از هر گونه خشونت.

با احترام

کانون صنفی معلمان ایران (تهران)

۲۶/۳/۱۴۰۴

*گزارش و تحلیل هفته: جنگ ایران و اسرائیل

گفت و گوی اسرین محمدی با بهرام رحمانی
لینک این گفت و گو:

<https://youtu.be/SyaQNZvWMjI?si=3C0jOx8OImexMKtg>

*جنگ ایران و اسرائیل. گفت و گوی تلویزیون ترکی استانبولی با بهرام رحمانی
لینک این گفت و گو:

<https://www.youtube.com/live/MKPsFbOdLOM?si=6wYaRKbyli2ZCZkU>